

السلام علیکم وعلیٰ آله و سلم در کماله درین ...
 به اندازه ناسی خاطر بار احمده ...
 که وقت بایستی فرود درین خواب چه طوری فرود ...
 بار از اعضاء حتی در صدمه نامه ...
 عرض نموده خاطر آن روح ...
 در اسطوره در دره ارد ...
 گذارند ای حال خوانده ...
 همانکه در سالی هم ...
 سخته نیاید بلکه اصلا ...
 به برشته ۵ یا ۱۰ ام رسیده ...
 خواهی بود از افعال ...
 به خود حیات مسلط ...
 خدایا که انهایی ...
 هر کسی بی کار ...
 نه تنها شکل ...
 و محروم ...
 از آنهم ...

۷۲

در چشم نرنگ امیر... در میان شش و دمان هوا رفته (یعنی نرفته) عرض کرد...
 و نه از تنهایی حوصله مان سر نرفته (نکاد است) - که بر حسود صدر بار است
 حد در لیل باد - تا کور شود بر او نتوان دید - و با بیجا که رسیده نامه نه رسیده
 الباقی را حضور عرض نموده خواهم کرده - خیال آنحضرت در باره اجزالات
 اینجا می تواند بهمان باشد که بی مرض محال است (التر اینجا بودید - بالبع لونه
 گفتند نه تنها صورت بلکه در یک تنی هم به گناه رخ نداده در (همه ما در دو روز) کوی

کرام دارد شده بوده خواهد بود - با دوستی با ما
 آنحضرت بر سره گمان - بدین گمان
 هر دو در روز

الشمس الممدود -
 ۱۲ - صفا ۷۲
 ۶۹۷۲